

میزگردی باحضور دکتر شریف لک‌زایی و دکتر علی شیرخانی

باموضوع «مردم‌باوری» در منظومه فکری شهید آیت‌الله بهشتی

# مدافع حقوق ملت

آیا ما میراث‌دار خوبی برای اندیشه‌های شهید بهشتی بوده‌ایم؟

مهسارمضانی

✠

خبرنگار

«دفاع از حق مردم و حقوق ملت» استراتژیک‌ترین خواست جمهوری اسلامی است که فصل سوم قانون اساسی از اصل ۱۹ تا ۴۲ نیز به آن اختصاص یافته است. تأکید بر نقش و جایگاه «مردم» در نظام سیاسی جمهوری اسلامی نه صرفاً در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیانگذار این نظام، که در منظومه فکری دیگر شخصیت‌های اثرگذار انقلاب همچون شهید آیت‌الله بهشتی جایگاه قابل تأملی دارد و شاهد این مدعا مجموعه آثار و افکار این متفکر مردم‌مدار است. او که «معمار قانون اساسی» خوانده می‌شود با استناد به دو مؤلفه «آزادی» و «حق انتخاب»، انسان را از دیگر موجودات متمایز می‌کند و معتقد است که انسان از رهگذر بهره‌مندی از این دو اصل، بر سرنوشت خود تسلط دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند حق انتخابگری را از انسان سلب کند. بنابراین، در اندیشه شهید بهشتی «حق ملت» با دو اصل «آزادی» و «انتخاب» ربط وثیقی پیدا می‌کند. به این اعتبار «مردم‌باوری در منظومه فکری شهید آیت‌الله بهشتی» موضوع میزگرد ما شد با دکتر علی شیرخانی، استاد تمام علوم‌سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر انجمن مطالعات سیاسی حوزه علمیه قم و دکتر شریف لک‌زایی، دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که در این نشست به نکات قابل تأملی دربارهٔ آراء و اندیشه‌های شهید بهشتی اشاره می‌کنند.

■ **«مردم» در نگاه شهید آیت‌الله بهشتی از**

**جایگاه و شأنیت برجسته‌ای برخوردارند و با توجه به اینکه ایشان معمار قانون اساسی هم بشمار می‌روند، می‌خواهیم در ابتدا «حقوق ملت» و «حق مردم» را در اندیشه سیاسی ایشان تبیین‌نمایید؟**

**دکتر علی شیرخانی:** ابتدا باید مشخص کنیم وقتی از «حقوق ملت» حرف می‌زنیم دقیقاً چه معنایی از «حق» مراد ما است. در تعریف عام و دایره‌المعارف‌فی، حق اقتدار در توانایی شرعی وقانونی قلمداد می‌شود که به موجب آن شخص می‌تواند از چیزی منتفع گردد یا به انجام امری و ترک فعلی مبادرت کند. به این اعتبار، در تعریف و بررسی «حقوق ملت در اندیشه شهید بهشتی» نخست باید به‌نگاه انسان‌شناختی اوگریز زد. در نگاه انسان‌شناسانه او، اصول سه‌گانه‌ای تحت عنوان «آزادی و اختیار»، «کرامت و ارزش» و «مسئولیت» مطرح می‌شود. او در اصل نخست خود، از اجبار و اختیار انسان‌ها در این دنیا پرسشی می‌کند و آنچه‌که آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَعْدِ وَالنَّحْبُورَ وَزَوَّجْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» و محققاً فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را (بر مرکب) در بر و پیرسوار کردیم و از هر عذای لذیذ و پاکیزه آنان را روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و

فضیلت کامل بخشیدیم» را نقل می‌کند. بر «کرامت انسانی» تأکید می‌ورزد. او همچنین در خصوص اصل سوم نگاه انسان‌شناسانه خود؛ یعنی «مسئولیت‌پذیری» که نسوخی را عنوان می‌کند و معتقد است که انسان هم در برابر خدا، هم نسبت به خود و هم نسبت به دیگری اعم از طبیعت و دیگران مسئول است. بااین مقدمات، شهید آیت‌الله بهشتی مباحثی را در قانون اساسی تحت عنوان «حقوق ملت» مطرح کرده است؛ از منظر ایشان نخستین حق ملت «حق تعیین سرنوشت» است؛ دوم «حق حاکمیت»، سوم «حق قانونگذاری و تدوین آن» و چهارم «حق اداره کشور به‌انگاه آراء عمومی» است. شهید بهشتی معتقد است که چون انسان کرامت دارد، آزاد است و مسئولیت دارد و این مسئولیت‌ها یکسری وظایف متقابل را در جامعه ایجاد می‌کند و بر این اساس، یکی از خر‌هایی که در مسأله امت و امامت مطرح می‌کند، به انتخاب رهبر در جامعه اسلامی برمی‌گردد؛ یعنی، رهبر در جامعه اسلامی باید با شروطی که متون دینی ما مطرح می‌کند، تطابق داشته باشد و صراحتاً اعلام می‌کند که صرف بر‌خورداری از صفاتی همچون فقیه عادل، با تقوا، شجاع و... برای رهبری بر مردم کفایت نمی‌کند و «مردم» باید رهبر یک جامعه اسلامی را به این صفات شناخته و پذیرفته باشند. همین مطلب را حضرت امام خمینی (ره) در نامه‌ای به آیت‌الله مشکینی در بازنگری قانون اساسی نیز طرح کرده‌اند. شهید بهشتی چون به آزاد بودن انسان باور دارد برای او کرامت و مسئولیت نیز قابل است و این مسئولیت‌مندی را نه صرفاً در سطح حق تعیین سرنوشت، که به انتخاب رهبر نیز تسری می‌دهد. او معتقد است که هرمنصبی در جمهوری اسلامی، با آراء مردم محقق می‌شود و کسی نمی‌تواند خارج از انتخاب و تصمیم مردم به اداره جامعه و پیش بردن امور اجرایی بپردازد.

ایشان در راستای انگاه به آراء عمومی در

قرار می‌دهد، بحث آزادی مطبوعات است. او صراحتاً می‌گوید: مطبوعات در نشر عقاید باید آزاد باشند نباید به دادن آزادی صوری بسنده کرد و بعد قیودی بر این آزادی بار شود که از قضا خود بسیار محدودکننده است. براساس اندیشه شهید بهشتی، حکومت برای جلوگیری از منکر، اولاً نمی‌تواند به زور مقابل نشریات و انتقادات آنها بایستد و ثانیاً این مقابله سودمند نیست و ثالثاً به حسب تجربه مضر هم هست.

در ادامه ایشان به مسأله اجتماعات می‌پردازد، اینکه در قانون اساسی داشتن شکل و اجتماع با اعلام قبلی به دولت بلامانع است و کسانی که می‌خواهند اجتماعی داشته باشند باید پیش از آن از دولت مجوز بگیرند. شهید بهشتی معتقد بود که اگر اجتماعات به‌گونه‌ای باشد که مزاحمتی برای مردم نداشته باشد، مجوز گرفتن ضرورتی ندارد و شرط گرفتن مجوز، خود محدودیت است.

**■ «فلسد استیژی» بی‌شک یکی از حقوق ملت است؛ اینکه مردم از مسئولان خود مقابله با فساد را مطالبه کنند حق مردم است. از قضایان امریکی از دغدغه‌های جدی دولت سیزدهم نیز به شمار می‌رود، تا آنجا که آیت‌الله رئیسی در نخستین سالگرد پیروزی انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ تأکید کردند که «آمده‌ام تا با ساختارهای فسادزا مبارزه کنم.» حال می‌خواهیم بدانیم مترومیزانی که اندیشه‌های شهید بهشتی به ما می‌دهد چقدر می‌تواند ما را در مبارزه با فساد و ساختارهای فسادزاجمجز کند؟**

**دکتر شریف لک‌زایی:** یکی از مؤلفه‌های مهم در بحث «حقوق ملت» در اندیشه شهید بهشتی، مسأله «آزادی» است و ایشان در موارد متعددی این دغدغه را به‌عنوان یک متفکر مسلمان مطرح می‌کند. در واقع، شهید بهشتی صحبت از آزادی را بجئی از منظر اسلام می‌داند و انقلاب اسلامی را هم از همین منظر نگاه می‌کند و آزادی را ویژگی چشمگیر آن تأق می‌کند. بر همین اساس هم، انقلاب ما را از دیگر انقلاب‌ها و حوادث سیاسی بزرگ جدا می‌کند. بنابراین، از دید آیت‌الله بهشتی، هم انقلاب اسلامی و هم اسلام و آموزه‌های آن، بر مؤلفه آزادی و حقوق ملت تأکید زیادی دارند و طبیعتاً بزرگ‌ترین شعار اسلام از نگاه ایشان همین بحث آزادی است.

■ **آزادی در نگاه شهید بهشتی از چه مختصاتی برخوردار است؟**

**لک‌زایی:** آزادی در اندیشه شهید بهشتی، ذاتی انسان است و طبیعتاً پیامد منفی آزادی یا پیامد فقدان آزادی در یک جامعه به معنای مسخ شخصیت و انسانیت آدمی است. بنابراین، از نگاه ایشان آزادی می‌تواند

یک بخشی از هویت و حقیقت انسان باشد که این هویت و حقیقت با «حق آزادی» تحقق و واقعیت عینی پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که شهید بهشتی با بحث‌های شفاهی و کتبی خود قبل از پیروزی انقلاب اسلامی واقدامات عملی بعد از پیروزی انقلاب، در راستای تحقق چنین حقی‌گام برداشته و مباحث مختلفی را در این زمینه مطرح کرده است؛ قبل از انقلاب در قالب برداشت و تربیت، نگارش آثار، تبلیغ، سخنرانی و نشست با دانشجویان و حرکت نهادی و تشکیلاتی و بعد از انقلاب اسلامی هم به‌عنوان معمار قانون اساسی و معمار تشکیلات سیاسی و ساختار سیاسی در جمهوری است.

«حزب جمهوری اسلامی» را تأسیس کردند. بنابراین، معتقدم بحث «آزادی» مؤلفه اصلی و اساسی در اندیشه سیاسی شهید بهشتی بشمار می‌آید. **شیرخانی:** یکی از پرسش‌هایی که شهید بهشتی در رابطه با آزادی مطرح می‌کند این است که «اساساً آزادی حق است یا صرفاً نوع مانع است؟» به باور، او هیچ حکومتی در جلوه‌های گوناگونی داشت؛ همچون آزادی مطبوعات، آزادی در نظارت، آزادی در جهت شرايطی حق ندارد آزادی انسان را سد کند. ایشان در این راستا، به آزادی مطبوعات نیز گریز می‌زند. سابقاً در کشورهای مختلف، مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی قلمداد می‌شد که البته امروز ممکن است با آمدن فضای مجازی این جایگاه تغییر کرده باشد. واقعیت این است که آزادی را می‌توان آزادی مطبوعات، آزادی در نظارت، آزادی در جلوگیری از انتشار آزادی برای امر به معروف و نهی از منکر و... مطبوعات همواره یکی از عرصه‌های اساسی نقد و انتقاد در جوامع بوده است و بر این اساس، یکی از عرصه‌هایی که شهید بهشتی در بحث از آزادی محل تأمل و تأکید

آزادی خود به تحقق آرمان عدالت اجتماعی کمک خواهد کرد و همین‌طور می‌تواند به بیرون‌رفت ما از مسائل و چالش‌های جامعه منجر شود. **■ فهم و اجرائی «قانون» چقدر راه ما را برای رسیدن به عدالت و آزادی هموار خواهد کرد؟**

**لک‌زایی:** واقعیت این است که هم آزادی و هم عدالت اجتماعی از مسیر «قانون» می‌گذرد. بنابراین درک قانون، بلوغ و فهم رسیدن به قانون نیز در این بسیار اهمیت دارد.

مسأله و اصل دیگری که در اندیشه شهید بهشتی مورد توجه است «اصل مسئولیت طبقه آگاهتر» است؛ بدین معنا که طبقه‌ای که مسائل را بهتر درک می‌کند و از بصیرت بیشتری برخوردار است، طبیعتاً در زمینه مسائل اجتماعی، سیاسی و آنچه در جامعه نیاز به ظرفیت‌ها و بیسترهایی دارد که ازضا، از مسئولیت و خاستگاه آزادی می‌گذرد؛ اینکه چقدر آزادی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی در جامعه پا گرفته است و در جامعه حضور دارد. طبیعتاً مؤلفه «آزادی» می‌تواند مهم‌ترین فاکتور فسادستیزی در اندیشه مرحوم شهید بهشتی باشد که در این حوزه نیز جدی‌مدت باه عنعمر آزادی ورکن بودن این مسئله است. بر این اساس، فراهم کردن بسترهای لازم برای تحقق آزادی در سطح جامعه و فضاهای عمومی و ویژه مراکز علمی بسیار راهگشا خواهد بود.

**■ شهید بهشتی از دغدغه‌مندان «عدالت» بود و شاهد این مدعا، تلاش‌های نظری و عملی ایشان در نظام قضایی کشور است. بر این اساس، چقدر توجه به آرمان عدالت در اندیشه شهید بهشتی می‌تواند نقطه عزیمت مادر مبارزه با فساد باشد؟**

**لک‌زایی:** همان‌طور که اشاره کردید، در کنار مقوله «آزادی» یکی از مهم‌ترین موضوعات در مبارزه با فساد در اندیشه سیاسی شهید بهشتی، «اصل عدالت» است و در این موارد تأکید این است که عدالت باید ویرگی تمامی مسئولان و کسانی باشد که قدرت به آنها سپرده شده است، یعنی همه کسانی که دارای منصب و مسئولیتی در جامعه هستند. بنابراین، عادل نبودن کارگزاران، آغاز یا گرفتن فساد در یک جامعه خواهد بهشتی «اصل آزادی دولتمردان و کارگزاران» در هیچ شرایطی نباید تعطیل شود. برای اینکه جامعه سالم بماند و همواره از وضعیت مطلوبی برخوردار باشد، مردم، نخبگان و عموم کسانی که در این جامعه زیست می‌کنند باید آزادی انتقاد از رهبران، کارگزاران، مدیران و مجموعه صاحب‌منصبان را داشته باشند.

اما با این حال، به باور من، عدالت هم از همان مسیر آزادی می‌گذرد؛ یعنی اگر در جامعه‌ای آزادی نهادینه شد و به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی بیرونی مورد توجه قرار گرفت، می‌تواند عدالت اجتماعی را به‌دنبال داشته باشد و آن را پیش برد. آنچه به تحقق آزادی که هم نقطه ورود به عدالت اجتماعی است و هم محملی برای آن به‌حساب می‌آید، کمک می‌کند «تربیت» است که در اندیشه شهید بهشتی به‌صورت برجسته‌ای مورد توجه و تأمل قرار گرفته است. بنابراین، معتقدم بر اساس اندیشه شهید بهشتی، اگر نقطه عزیمت ما در مبارزه با فساد «آزادی» در نظر گرفته شود، نفس

**■ مهم‌ترین عامل در یک جامعه از منظر شهید بهشتی چیست؟**

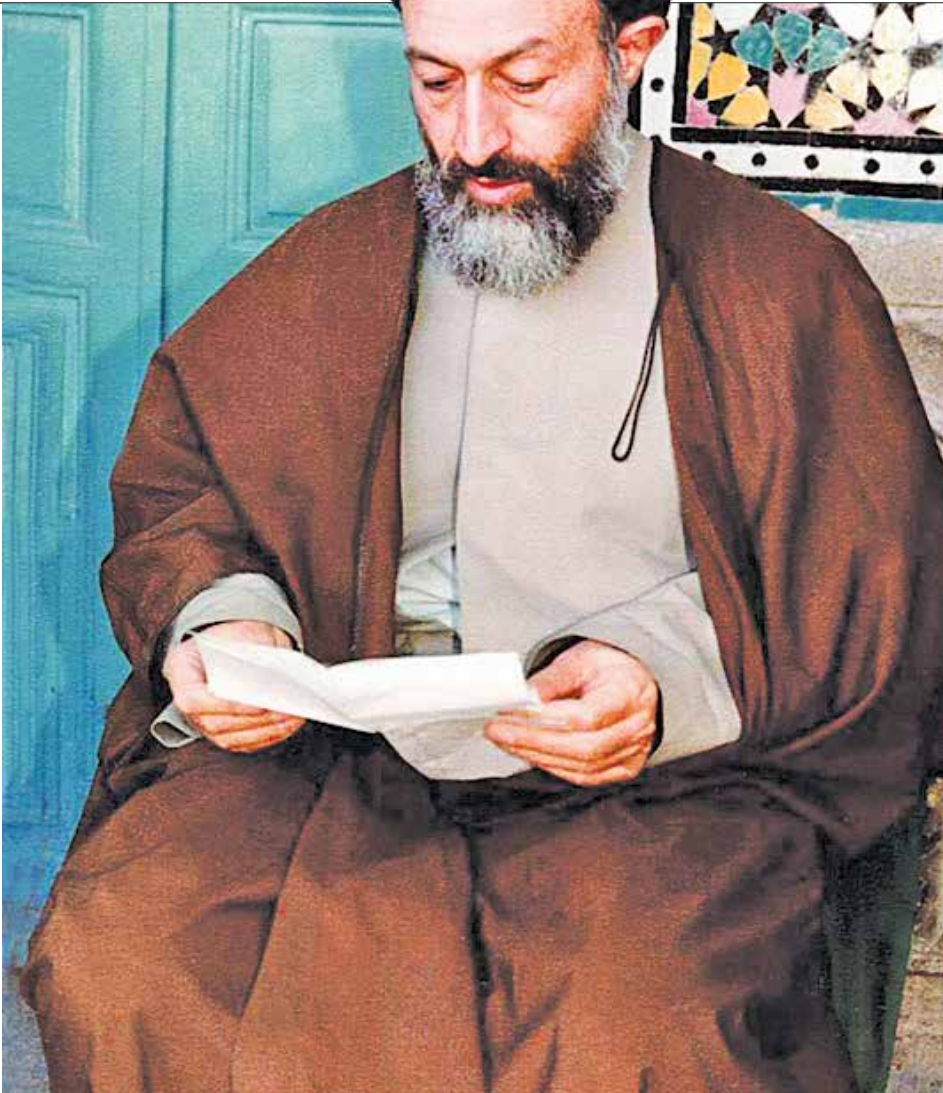
**شیرخانی:** فساد در تعریف اصطلاحی، نوعی خلافکاری است که به وسیله فردی که عموماً مسئولیت، قدرت و اقتدار دارد، برای

به‌دست آوردن منافع شخصی به انجام می‌رسد. لذا فساد «استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی برای منافع خصوصی» است.

اما شهید بهشتی در ارتباط با مسأله فساد بویژه «فساد سیاسی» عنوان می‌کند که بزرگ‌ترین عامل فساد سیاسی، استبداد و خودکامگی است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) نیز در این راستا می‌فرماید: «کسی که استبداد

رای داشته باشد هلاک می‌شود.» بنا بر اندیشه شهید بهشتی، نفس وجود استبداد در یک جامعه، خود زمینه‌ساز بزرگ‌ترین فسادها است و خود، ریشه فسادهای دیگر خواهد بود. مرحوم میرزا محمدحسین غروی نائینی در کتاب «تنبیه‌الأمم و تنزیه‌الجمه» می‌نویسد: «اگر دین با استبداد عجین باشد آنجا دیگر وضعیت بغرنج‌تر می‌شود.» به تعبیر شیخ بهایی: «هر زمان که شاه گوید: شیخنا! شیخنا! مدهوش گردد زین ندا»

شهید بهشتی دغدغه‌های خود در بحث مبارزه با فساد را بیشتر در کارهای حزبی خود طرح می‌کرد و معتقد بود که حکومت نمونه اسلامی، حکومتی است که حکومت‌کنندگان آن تشنه قدرت نباشند و اساساً باید پایه تربیت فردی و تشکیلاتی حزب همین



خبرگزاری صدا و سیما

«عدم شیفتگی به قدرت» باشد. جاه‌طلبانی که «بزرگ‌طلبی» آرمان آنها است، نه تنها وسیله‌ای برای آرمان الهی نیستند که ضد جمهوری اسلامی هستند و نباید در رأس حزب قرار گیرند. بر این اساس، در اندیشه شهید بهشتی، آن چیزی که در سیاست داخلی باید به تک تک اعضای حزب تذکر داده شود، این است که در برابر جاه‌طلبی و جاه‌طلبان حساس باشند و این چه دشوار است که انسان به‌دنبال تواناتر شدن پیش برود اما مواظب باشد این توانایی در خدمت استبداد و جاه‌طلبی قرار نگیرد.

ایشان در اصل ۴۹ قانون اساسی، مبنی بر گرفتن ثروت نامشروع و بازگرداندن آن به صاحبان حق معتقد است که این حکم باید به وسیله دولت اجرا شود و در مباحثی که در مطرح می‌کند، معتقد است که هر گونه خودکامگی، حق را پایمال می‌کند. به همین خاطر، ایشان از خودکامگی بسیار گریزان بود. فارغ از بحث خودکامگی، یکی از راه‌های مفسدستیزی که در قانون اساسی مطرح می‌کرد، اصل منع شکنجه برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع بود. شهید بهشتی معتقد بود که نباید از طریق منکر به معروف برسیم و نباید هدف وسیله را توجیه کند.

■ **«مردم‌باوری» و «شفافیت» و «آینده‌نگری» از «کارآمدی»، «شفافیت» و «آینده‌نگری» از اصول اساسی اندیشه‌های شهید بهشتی است.**



**دکتر شریف لک‌زایی:**

در اندیشه سیاسی شهید بهشتی «اصل عدالت» مهم‌ترین ابزار برای مبارزه با فساد است. ایشان معتقد است عدالت باید ویژگی تمامی مسئولان و کسانی باشد که قدرت به آنها سپرده شده است؛ یعنی همه کسانی که دارای منصب و مسئولیتی در جامعه هستند.

بنابراین، عادل نبودن کارگزاران، آغاز یا گرفتن فساد در یک جامعه خواهد بود. به باور شهید بهشتی «اصل آزادی انتقاد از دولتمردان و کارگزاران» در هیچ شرایطی نباید تعطیل شود. برای اینکه جامعه سالم بماند و همواره از وضعیت مطلوبی برخوردار باشد، مردم، نخبگان و عموم کسانی که در این جامعه زیست می‌کنند باید آزادی انتقاد از رهبران، کارگزاران، مدیران و مجموعه صاحب‌منصبان را داشته باشند

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

به اعتقاد شما، چقدر توانستیم میراث‌دار خوبی برای آرمان‌های ایشان باشیم؟ و در کدام زمینه‌ها نیز داریم که گام‌های‌مان را بلندتر کنیم؟

**لک‌زایی:** در برخی زمینه‌ها رشد چشمگیری حاصل شده است اما بی‌شک در برخی موارد هم باید گفت میراث‌دار خوبی برای ایشان نبوده‌ایم. واقعیت این است که در لایه‌های میانی، باطنی و معنوی هنوز نقاط مغفول و جا مانده بسیاری داریم. نمی‌خواهم مقایسه آماری داشته باشم ولی براساس تجارب زیسته و آنچه در جامعه می‌گذرد، به نظر می‌رسد که «شفافیت» هنوز مطالبه عمومی است و اتفاقاً اجرای آن از وعده‌های دولت سیزدهم هم بوده است. شفافیت در بسیاری از بخش‌ها و تصمیماتی که گرفته می‌شود یا اساساً وجود ندارد یا تیره و تار است. به لحاظ شکلی و صوری در برخی فضاها می‌توان از «آزادی در جامعه ایرانی» حرف زد اما فراتر از آن، یعنی تا تحقق آزادی به شکل نهادی، هنوز راه داریم.

آیت‌الله بهشتی معتقد است که بسیاری از مسائلی که در جامعه با آن مواجه هستیم، از رهگذر مباحثه و گفت‌وگو حل می‌شود. حال پرسش اصلی اینجاست که چقدر مباحثه و گفت‌وگو به شکل آزاد در جامعه گفت‌وگو و مباحثه در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل بگیرد، مجادله شکل گرفته است و براساس نگاه شهید بهشتی با مجادله نه تنها رشد نمی‌کنیم بلکه ممکن است گسست‌هایی در جامعه ایجاد شود.

اصل «انضباط تشکیلاتی» چه در نهادهای غیررسمی و چه در نهادهای رسمی از موضوعات مورد توجه ایشان بود و بر این باور بودند که این حرکت باید بر یک قانون باشد. اصل انضباط تشکیلاتی یک نگاه دو طرفه بین «کارگزاران» و «عرصه عمومی» است و صرفاً با دستور از بالا پیش نمی‌رود. به‌عنوان مثال، اینکه دستور دهیم اجناس ارزان شود یا گرانی مرتفع گردد، این جنس مواجهه کارگزاران با عرصه عمومی نشانه نشناختن جریان و فرایندی است که در جامعه و اجتماع می‌گذرد بخصوص اینکه جامعه نیازمند گفت‌وگو و اتفاق است و مردم باید در مورد تصمیماتی که گرفته می‌شود قانع شوند تا بتوانند همبا و همراه دولت و مجموعه ساختار سیاسی پیش روند. طبیعتاً برخی از مباحثی که در جامعه می‌گذرد از این مسیر می‌تواند تحقق بهتری پیدا کند.

معتقد ام‌ان «آزادی، استقلال و جمهوری اسلامی» نیاز به تأمل مجددی دارد و با وجود همه پیشرفت‌هایی که داشته‌ایم، خالهای همچنان وجود دارد. شهید بهشتی معتقد است که آزادی به‌عنوان یک آرمان می‌تواند خلاقیت‌های انسان را پرورش داده و آرزوهای جامعه را محقق کند. از نگاه او، انقلاب اسلامی باید بتواند خلاقیت افراد را پرورش داده و بروز و ظهور بخشد که این هم نه از رهگذر مجادله که با «گفت‌وگو»، «تفاهم»، «تعاون» و «مباحثه» شکل گرفته و پیشرفت می‌کند و در این فضا، وظیفه کارگزاران ایجاد بسترهای بیشتر برای بهره‌مندی از آزادی بیشتر است.

**شیرخانی:** همان‌طور که اشاره کردید «مردم‌باوری» یکی از پارامترهای جدی در اندیشه شهید بهشتی است و شاهد این مدعا، مؤلفه‌هایی است که او در رابطه با حقوق ملت همچون «حق تعیین سرنوشت»، «حق انتخاب حکومت»، «حق آزادی» و... طرح می‌کند. او همچنین عدالت را قارقار دادن هر چیزی در جای خود و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد و شهروندان می‌داند و معتقد است از جمع «مردم‌باوری» و «عدالت‌ورزی» قطعاً شفافیت در یک جامعه ایجاد خواهد شد؛

چرا که یک جامعه و مردم آزاد به‌واسطه بهره‌مندی از حق آزادی، سرنوشت خود را تعیین کرده و حکومت تشکیل می‌دهند و به تعبیر جان لاک حکومت را یک مسأله مشاع می‌داند. به همین دلیل، ضمن اینکه سعی می‌کنند در جایگاهی که قرار دارند، وظیفه خود را به‌درستی انجام دهند؛ بلکه نظارتی نیز بر عملکرد یکدیگر و دیگر کارگزاران داشته باشند. همین نفس «نظارت مستمر» منجر به نهادینه شدن صداقت و شفافیت در یک جامعه می‌شود و غفلت از آن بی‌تردید یک جامعه را در مسیر انحرافی قرار خواهد داد.

بنابراین، در مورد این پرسش شما که شهید بهشتی بوده‌ایم، معتقدم مادامی که بستر و زمینه‌های لازم برای تحقق «حقوق ملت» را در جامعه فراهم کردیم در مسیر اندیشه شهید بهشتی قرار گرفتیم و مقطعی که از «حقوق ملت» فاصله گرفتیم از مسیر اندیشه‌های شهید بهشتی هم دور شدیم. بنابراین نیاز امروز جامعه‌مان را بازگشت به اندیشه‌های شهید بهشتی می‌دانم و امیدوارم که بتوانیم از اندیشه‌های این شهید بزرگوار در هرچه بهتر پیش بردن جامعه و کشورمان بهره ببریم.

**دکتر علی شیرخانی:**

«مردم‌باوری» یکی از پارامترهای

جدی در اندیشه شهید بهشتی است. او

معتقد است از جمع «مردم‌باوری» و

«عدالت‌ورزی» قطعاً «شفافیت» در

یک جامعه ایجاد خواهد شد؛ چرا که یک

جامعه و مردم آزاد به‌واسطه بهره‌مندی از

حق آزادی، سرنوشت خود را تعیین کرده

و حکومت تشکیل می‌دهند و حکومت

دلیل، ضمن اینکه سعی می‌کنند در

جایگاهی که قرار دارند، وظیفه خود را

به‌درستی انجام دهند؛ بلکه نظارتی نیز بر

عملکرد یکدیگر و دیگر کارگزاران داشته

باشند. همین نفس «نظارت مستمر»

منجر به نهادینه شدن صداقت و

شفافیت در یک جامعه می‌شود و غفلت

از آن بی‌تردید یک جامعه را در مسیر

انحرافی قرار خواهد داد